



هفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

۴ صفحه : ۲ روپیه پاکستانی / ۲۰۰ افغانی

UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P. O. BOX: 1073

محترم محمدکریم خلیلی، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان :

موضع مردم ما روشن است



محترم سرور حیدری:

محترم محمدکریم خلیلی، دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، شام ۲۷ جدی ۱۳۷۴، طی مصاحبه ای با رادیوی B.B.C، در رابطه با باز شدن راه بامیان - کابل و افواہ یکجا شدن حزب وحدت اسلامی با فراکسیون اکبری، چنین روشنی انداختند:

* ماجزیکه قبول کردیم و برایش التزام نیز داریم، جنگ نکردن، حفظ آرامش و تأمین امنیت در هزاره جات است. * جنگ را ما آغاز نکردیم، ما نیرو به جانب کابل و پنجشیر و چاریکار بسیج نکردیم. آنها بودند که در بامیان نیرو آوردند.

ما بارها و بارها برای هیات های مختلفی که در اینجا آمده اند، گفته ایم که با هواداران آقای اکبری خواهان جنگ نیستیم و جنگ نخواهیم کرد. حالاهم با سفر آقای «بروجردی»،

سوال: خبر اتحاد دو جناح حزب وحدت تا چه حد صحت دارد؟
جواب: سفر های که آقای «بروجردی» در بامیان داشتند، روی عدم جنگ در هزاره جات بود.

دجمعیت اسلامی ناراضیانو (جمعیت) دشورای نظار یرغمل بللی دی

د دشورای نظار د قبضی لاندی فاشیستی فعالیتونه کوی او د جمعیت یرغمل بللی دی به خپل قلمرو کی منحصر کړی دی. لکه چی لوستونکی خبردی په دی وروستیو وختوکی د جمعیت اسلامی یوی ناراضه دلی د احتجاج په توگه د استاد ربانی تر مشری لاندی د جمعیت اسلامی د پخوانی تنظیم سره مقاطعه کړی او د عصمت قانع تر مشری لاندی نی په پیښور کی د جمعیت اسلامی دفترونه په خپله ولقه کی راوری دی.

جبهه نظامی را فراخ کنید، «شورای نظار» را متلاشی بگیرید!

* در تاریخ سیاسی افغانستان ما شاهد حاکمیتی نبوده ایم که برای منافع مردم کار کرده باشد. * مشکل است که ما در افغانستان از نفوذ سیاسی حاکمیت ها میان مردم حرف بزنیم. محترم سرور «حیدری» در مصاحبه خویش با خبرنگار «صفحه نو» در رابطه به سوالی که کابل چگونه ارزیابی می کنند،

شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی تشکیل جلسه نمود

بر اساس گزارش خبرنگار اعضای شورای مرکزی حزب، تشکیل جلسه داد. «صفحه نو» از ولایت بامیان دو وحدت اسلامی تحت ریاست خبرنگار ما می افزاید که جلسه شنبه مورخ ۲۵ / جدی / ۱۳۷۴ محترم استاد خلیلی، دبیر کل با تلاوت آیات چند (ص ۴)

محمد نبی عثمانی، کارمند ستره محکمه :

احزاب سیاسی ارزش اجتماعی شان را خود شان ایجاد می کنند

* اصولاً احزاب برای مردم اند، اما در کشور ما مردم برای احزاب اند! * بعضی احزاب جنگ عدالت دارند، اما بعضی دیگر از احزاب، جنگ انتقامجویی اجتماعی.

سیاسی کشور را چگونه ارزیابی می کنند، چنین پاسخ ارایه نمودند: «بهرتر است که احزاب سیاسی کنونی کشور را به دو بخش تقسیم بندی کنیم. بخش اول همان احزابی اند

سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل، وارد بامیان شد

حزب وحدت اسلامی از همان اوایل طرفدار حل قضایا از طریق جنگ و اعمال فشار نظامی نبوده و حالاهم جنگ را راه حل قضایای جاری کشور نمیداند.

بر اساس گزارش خبرنگار «صفحه نو» از ولایت بامیان، سه شنبه مورخ ۲۶ / جدی / ۱۳۷۴ محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، محترم غلام رضا حدادی سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل و هیأت همراه وی را در اقامتگاه

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

اگر مردم فراموش می شوند؟

برای کی می رزمیم؟

هویدا است که حاکمیت مطلق نظامی «شورای نظار» بر شهر کابل، فاجعه و به مراتب عظیم تر از فاجعه ملی را بر مردمان آن تحمیل کرده است.

بازده هرگونه فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی بر حاکمیت «شورای نظار» در کابل، فشار کشنده و مرگبار اجتماعی و اقتصادی بر مردم این شهر است. ناممکن است که محاصره اقتصادی را بر کابل تا حدی تنگ کنیم که فلج شدن بخش لورستیکی «شورای نظار»، باعث انعطاف پذیری واقعی سیاسی و با شکست نظامی آن گردد؛ چون قابل درک است که قویترین امکانات پولی «شورای نظار»، آخرین ذخیره های مواد غذایی و مواد سوخت را به خدمت این شورا قرار داده و مردم کابل، اولین پیش مرگانی قحطی زده برای حیات حاکمان مسلح آن خواهد بود. ضعف اقتصادی شهر ویا به عبارت دیگر، فلج بودن اقتصاد مردم، باعث بزرگترین بحران اجتماعی در پایتخت شده است. فشار نظامی، مانند فشار اقتصادی، ناممکن است که باعث خیزش اجتماعی در برابر قدرتمندان «شورای نظار» گردد. هیچکس نمیتواند ادعا کند که مردم کابل از موجودیت حاکمان مسلح خویش راضی بوده و دفاع این مردم باعث بقای حاکمیان فعلی شهر شده است. هویدا است که حاکمیت مطلق نظامی «شورای نظار» بر شهر کابل، فاجعه و به مراتب عظیم تر از فاجعه ملی را بر مردمان آن تحمیل کرده است. بی پناهی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مردم کابل، تراژیدی

حلول ماه مبارك و پرمیمت رمضان را برای ملت مسلمان خویش تبریک میگویم.

(حزب وحدت اسلامی افغانستان - نماینده گی پشاور)

ص. علی

رادیوی مشهد یا رادیوی کابل؟!!

تفسیر های سیاسی مفرضانه برای مخدوش ساختن موضع بر حق و عدالتخواهانه جناح های مخالف رژیم انحصاری کابل، خیانت بزرگ در برابر دست یابی به یک راه حل معقول سیاسی توسط خودافغانان است.

مداخلات خارجی صرفاً مدت جنگ و تفاهم ملی را در کشور به عقب می اندازند

به مفهوم تشدید بحران از طریق برهم زده توازن اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی است. با اطمینان میتوان گفت که اینهمه پدیده های روشن سیاسی را مقامات جمهوری اسلامی ایران به خوبی درک نموده، ولی هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از نشرات جهت دار رادیوی مشهد به عمل نمی آورند. روشن است که برای جلوگیری از تبلیغات جهت گیرانه رادیوی مشهد، مخالفین هیچگونه وسیله بی نداشته؛ ولی مقامات مسؤول جمهوری اسلامی ایران باید به این نتیجه رسیده باشند که «شورای نظار» دیگر نمیتواند با انزوای مطلق سیاسی و نظامی خویش، بقا داشته باشد. اگر شکست انحصار در کابل مسلم است، آیا جمهوری اسلامی ایران به ناحق تمامی معادلات سیاسی و دیپلماتیک خویش را قربانی «شورای نظار» نمی نماید؟ و آیا بعد از پیروزی مخالفین و تأسیس حاکمیت قابل قبول برای تمام اقشار ملت، ایران خواهد توانست که روابط نیک دوستانه و حسن همجواری خویش را با ملت افغانستان حفظ نماید؟ اگر امروز «جمهوری اسلامی ایران» از ضعف و تشتت سیاسی و اجتماعی ملت افغانستان میتواند بهره برداری کند و رادیوی مشهد را به بلند گوی را دیوی «شورای نظار» و هم پیمانان نژادی آن تبدیل کند، آیا در فردا مطمئن است که ملت افغانستان بعد از تأسیس حاکمیت فراگیر خویش، خاطره همچون

های جمهوری اسلامی ایران، جنگ جدید اجتماعی را به وجود خواهد آورد که سرتاسر افغانستان در آتش آن مشتعل خواهد شد. واقعیت همین است که امروز آن را همه درک می کنند و موضعگیریهای سیاسی مشترک به شکل طبیعی موضع نظامی و اجتماعی مشترک را نیز به وجود می آورند.

یکه تازی «طالبان» در عرصه نظامی و سیاسی، یگانه علت است که امروز زمینه جنگ به مراتب شدید و گسترده تر اجتماعی را به وجود آورده است. به نظر آگاهان سیاسی، قوت گرفتن و دیپلماسی های جدید و تمام شدن آنها به نفع حاکمیت «شورای نظار»، به علت ایجاد شدن جبهه دیگرست که از لحاظ ماهیت سیاسی و نظامی شدیدتر از «شورای نظار» بر انحصار جبهه جنگ و سیاسی تأکید دارد.

مذاکرات سیاسی بی که به ابتکار هیأت سیاسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردید، مراحل آخری خویش را می پیماید و با اطمینان میتوان گفت که این مذاکرات بدون نتیجه مانده و به بن بست رسیده اند. آخرین مصاحبه محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، با رادیوی B.B.C، مواضع سیاسی و آرمان مردم ما را به وضاحت بیان داشت که جنگ و منطق توپ و تانک، صرفاً منطق انحصار گران است و راه حل برای معضله افغانستان، راه صلح آمیز است؛ ولی تفسیر رادیوی مشهد از خواست صلح طلبانه رهبری سیاسی مردم ما به گونه بی بود که گویا گرایشات سیاسی به جانب حاکمیت کابل وجود دارد و باز کردن مشروط راه بامیان به شمال، بیانگر حسن نیت سیاسی حزب وحدت اسلامی در برابر حاکمیت کابل است.

تفسیر های سیاسی مفرضانه برای مخدوش ساختن موضع بر حق و عدالتخواهانه جناح های مخالف رژیم انحصاری کابل، خیانت بزرگ در برابر دست یابی به یک راه حل معقول سیاسی توسط خود افغانان است. ترجیح دادن یکی از جناحهای در گیر،

تبلیغات مشترک سیاسی ناشی از موضعگیری وصف متحد سیاسی می شود؛ وقتی رادیوی مشهد و رادیوی کابل به مثابه دو بلند گویی تبلیغاتی دو کشور و نظامهای سیاسی مختلف، در خط نشراتی و تبلیغاتی واحد بر خلاف مخالفین حاکمیت غیر قانونی و انحصاری کابل تبدیل می شوند، اینجا درنگ مطلق سیاسی ضرور است. مخالفین باید برای تشخیص جبهه بندیهای خصمانه در برابر خویش، بر علاوه مرزبندیهای داخلی، مرزبندیهای خارجی را نیز از نظر دور ندارند.

مردم ما شاهداند که هیچ رسانه خبری همچون رادیوی مشهد، با بی پروایی و بی پرده گی کامل، از یک جناح درگیر در جنگ افغانستان دفاع نکرده و امکانات تبلیغی ملت و کشور خویش را به خدمت منافع یک گروه سیاسی منزوی شده اجتماعی و سیاسی قرار نداده است. ما نمی گویم که کی از کی حمایت می کند؛ ولی این را با صراحت میگویم که کی با تمام قوا و امکانات صریحاً از کدام جناح حمایت می کند. اگر حمایت جمهوری اسلامی ایران از دولت نام نهاد کابل به علت حمایت پاکستان از «طالبان» است، این را نباید فراموش کرد که حمایت از گروه «طالبان» آنقدر رسوا و بی پرده نبوده است که رادیوهای پشاور و کویت به بلند گوی آرمانهای سیاسی و نظامی «طالبان» تبدیل شوند؛ ولی برعکس ملاحظه مینماییم که رادیوی مشهد بهتر از رادیوی کابل برای منافع حاکمیت شورای نظار و متحدین همتزاد و شیعه مذهب آن تبلیغ مینماید. این مشی نشراتی رادیوی مشهد با این خط سیاسی روشن و واضح آن در حمایت سیاسی و تبلیغاتی از رژیم غیر قانونی کابل، آیا بیانگر خصومت مستقیم با آرمانهای سیاسی و اجتماعی مخالفین نیست؟

آنچه موضعگیری سیاسی رادیوی مشهد را از لحاظ تبلیغات سیاسی بیشتر به سود حاکمیت انحصاری کابل تمام می کند، همانا تفسیر های حوادث اجتماعی و رخداد های سیاسی در کشور ما است. خصیصه و خط نشراتی رادیوی مشهد، به خصوص بعد از آغاز دیپلماسی های جدید ایران در منطقه این است که حوادث نا مطلوب را بنا بر خواست و پالیسی حاکمیت خویش تفسیر مینماید. جمهوری اسلامی ایران منافع منطوقی خویش را در اتحاد جدیدی ملاحظه مینماید که باید میان جنبش ملی و اسلامی، حزب وحدت اسلامی و شورای نظار به عمل آید. تشکیل ائتلاف جدید مطابق به پالیسی

احزاب سیاسی ارزش...

که شعار صریح عدالت سیاسی دارند و بخش دیگر احزابی اند که به انواع گونه گون ویا شعار های مختلف برای انحصار قدرت سیاسی و حاکمیت تلاش دارند. احزابی از موقف خوبی اجتماعی برخوردارند که شعارشان مطابق به خواست و آرمان سیاسی مردم شان را خود شان ایجاد می کنند و صاحب پشتوانه مردمی می شوند. اکثریت احزاب ما صرفاً در محور خواست های فکری خویش می چرخند و فراموش می کنند که اصولاً احزاب برای مردم اند و بدین علت است که در کشور ما مردم برای احزاب اند!

با بخش بندی نمودن احزاب میتوان خواست های اجتماعی و سیاسی شان را نیز بخش بندی کرد. بعضی احزاب جنگ عدالت دارند و اما بعضی دیگر از احزاب، جنگ انتقامجویی اجتماعی اصل اساسی برای جنگ انحصار قدرت سیاسی شان است. نوع دوم احزاب از هر گونه مفکوره انسانی و اجتماعی به دور شده و همه چیز حتی ایمان شان برای انحصار قدرت سیاسی نابود شده است. آخر چرا فراموش می کنند که ما ملت یکپارچه هستیم و همه انسانیم و مخلوق خداوند یکتای خویشیم؟!»

د افغان لاجبی د حل کونجی د افغانانو په لاس کی ده

هم د نشت برابر دی، گاونډیو هیوادونو هم پرته ددی چی د خپلو منافعو په سر په افغان مسئله کی خپل منحنی دوستانه روابط خراب کړی نور څه نی لا نه دی کړی ځکه نو اوس بیخی څرگنده شوه چی د افغان لاجبی د حل کونجی د افغانانو سره ده او یوازی همدوی کولی شی په بین الافغانی تفاهم سره خپل مسایل حل کړی.

د سولی اوسنی تحركات چی د کابل حکومت د ملی روغی جوړی د وروستی اعلامی په ترڅ کی رامنځ ته شوی دی که چیری په صداقت او د ملی نجات په خاطر بنا وی کولی شی د ملی مصلحت په چوکات کی اوسنی سیاسی بحران پوی خواته کړی. دا چی د سولی او د قدرت د انتقال په وروستی اعلان سره استاد ربانی او احمد شاه مسعود څومره صادق دی او په دی پروسه کی د ځان د پاره د اقتدار ساتلو څومره تضمینات غواړی لا تر اوسه پوری څرگنده نه ده خو د اعلامی د محتوا او ملی ابعادونه داسی سیکاری

څه د پاسه دوه کاله وشول چی د ملگرو ملتو د سازمان له خوا په افغانستان کی د سولی د تینگښت او په ملی پایو د پراخ بنسټه حکومت د جوړولو د پاره د سولی د ځانگړی هیئت مشر ښاغلی محمود مستیری ښکته پورته مندی رامنډی ووهلی د افغانی دلو د مشرانو او د گاونډیو هیوادونو د ټولو اړخونو سره نی لیدنی کتنی وکړی څو ځلی نی د استاد ربانی څخه د قدرت د انتقال مشخص نیتی هم وټاکلی او په مکدر دول نی د سولی د تأمین زیری افغانانو ته ورکړی خو اوس بیخی څرگنده شوه چی د افغانی خصوصیاتو او تاریخی روایاتو مطابق د افغان مسئلی د حل په کار کښی د ښاغلی محمود مستیری د سولی د پروگرام دوسیه د ټول کیدو په حال کی ده او د اسلامی کنفرانس د مشر داکتر حامد الغابید نقش

که چیری ټول گوندونه او ملیتونه په خپل موقعیت کی د جنگ د ختمولو او ملی پخلاینی انسانی او د اسلامی کارته راوړاندی شی او د تیریدنی په روحیه د ملی پراخ بنسټه حکومت په جوړولو لاس پوری کړی د ملگرو ملتو او گاونډیو هیوادونو په غیاب کی ددی قابلیت لری چی خپلی مسئلی خپله حل کړی او د نورو په شان د ملت د خوشحالی او سوکالی د پاره خپل ملی فرض ادا کړی.

دا جرئت مندانه اقدامات هغه وخت عملی کیدی شی چی په یو گوندی یوملیتی او قاشیستی مفکوره د بطلان کرښه رابښکودل شی او په ملی سطح ټولو قومونو او ملیتونو ته د ملی قیادت په سرنوشت جوړونکو چارو کی مساوی برخه ورکړی شی او دا کار ناممکن او ناشونی نه دی. •

تشیع درباری،

از خیانت مذهبی تا برده گی سیاسی

(۲۳ سنبله ۱۳۷۳: آغاز یک تاریخ) (قسمت شانزدهم)

از طرف دیگر ما چون وظیفه داشتیم مسایل را از طریق دیگر نیز تعقیب میکردیم. اکثر آقای اکبری به خانه مصطفی کاظمی می آمد بعد موترش به يك بهانه بی بر می گشت و به بهانه اینکه در آن خانه مهمان است، دوسه ساعت می نشست و سپس با موتر آقای جاوید به شهر نزد فهیم می رفت و بعد از جلسه و صحبت، از آنجا پول می آورد. در همین حالات يك تعداد از افراد شورای نظار را به اسکاد و قصر دارالامان هم آورده و حتی اکثر نقاط حساس را به آنها سپرده بودند. مثلاً در اسکاد نیروهای ملکی بی که جابه جا شده بودند، اکثر افراد دولت ربانی و شورای نظار بودند. دستگاههای بی ام چهل، تانکها و توپها اکثر در دست آنها بود. من يك بار خودم در قصر به دیدن ماما حبیب رفتم؛ ۵ نفر پنجشیری در قصر بودند، وقتیکه پرسیدم که اینها برای چه آمده اند؟ گفتند که اینها مهمان هستند، دوباره می روند. در حالیکه من خودم میدیدم که همان پنجشیری ها در روپروی من مخابره در دست شان و با افراد کوه تلویزیون صحبت می کردند. این قضیه در موقعی بود که شورای نظار با ما شدیداً جنگ داشت و در گردنه سخی هم چند نفر از افراد ما شهید شده بودند. ما برای برادران حرکت گفتیم که این پنجشیری ها را دستگیر میکنیم، ولی آنها ایستاده گی کردند و گفتند که اینها مهمان اند و بر می گردند، اما آنها نرفتند و تا آخر همانجا ماندند. به دستور استاد مزاری، برای آنکه مشکلی در غرب کابل پیش نیاید، یکبار با تمام قوماندانهای حرکت و وحدت یکجایی نشستیم و صحبت کردیم که وضعیت فعلی غرب کابل، عواقب ناگوار و بدی دارد، باید مشترکاً در این پاره فکر کنیم و تصمیم بگیریم که بر خورد و حادثه بی در غرب کابل پیش نیاید. بعد از آنکه انوری به صوفی صفر گفته بود که حق خراب کردن سنگر ها را ندارد و برایش واضحاً گفته بود که ما با خون جگر این چارسو ها را گرفته ایم و برای ساختن سنگر ها بقدرکافی پول مصرف کرده ایم، حالا شما برای طرح حزب وحدت این چارسو ها را از دست میدهد؟ انوری گفته بود که وحدت تصمیم دارد که سنگر های شما را خراب کند و آنگاه شما را از شهر بیرون کند و در کوه اسکاد محصور سازد. آن وقت تمام شهر در دست حزب وحدت می افتد، این تمام منطق آقای انوری برای قوماندانانش بود. بعد ما در گارنیزون نشستیم و فیصله کردیم که از شورای مرکزی هر دو حزب یا از قوماندانان تمام قطعات حرکت و وحدت دعوت شود و جلسه شود که در آن داکتر صادق و آقای انوری از حرکت و آقای علی و هاشمی از حزب وحدت شرکت کنند. این فیصله عملی شد و دوسه مهمانی هم بین قوماندانها صورت گرفت. ما يك مهمانی در خانه قاری امان دادیم و آنها نیز يك مهمانی را در خانه داکتر صادق دادند. اما با این مهمانی ها هم با آنکه خیلی امید وار بودیم نتیجه نداد و به هیچ جایی نرسید. ما بالاخره به این نکته پی بردیم که انوری از هدف خود نمی گذرد. حتی من يك روز در جلسه بی با بعضی از دوستان گفتم نیروهایی که در اطراف خانه آقای مزاری آورده اید، برای ما نگرانی ایجاد کرده، یا شما این نیروهای تان را از اینجا بیرون کنید یا اینکه ما مجبوراً باید آقای مزاری را از آن منزل بیرون کنیم و به جای دیگر ببریم. فکر میکنم این لازم نخواهد بود که حالا ما آقای مزاری را از خانه اش بیرون کنیم، شما باید یکمقدار دقیق تصمیم بگیرید. آنها وعده کردند که نیروها را می کشند اما نکشیدند و بعد هم نیروهای دیگری را در استقامت وزارت تجارت نیز جابجا کردند و تصمیم داشتند که به کمک شورای نظار نیروهای ما را از آن ساحات الی چهلغتون ضربه بزنند و مخصوصاً راهی را که از مسیر چهلستون به سوی چهارآسیاب باز کرده بودیم و از همان طریق با غزنی و هزاره جات نیز وصل می شدیم، قطع کنند؛ ما که از آمد آنها با خبر شدیم بلافاصله دست به کار شدیم و با جرو بحث و جنجال های زیاد سرانجام آنها را وادار کردیم که نیروهای خود را عقب بکشند.

(ادامه دارد)

حاجی عبدالله «رضوانی»

خداوندا، در قلب و اندیشه هر افغان، عشق و احترام به انسان را مقدم ساز!

* دین برای انسان است، اما انسان را برای دین می کشند.

* در کشور ما هر اعتقاد و فلسفه و سیاست را بر خلاف انسان به ثبوت می رسانند.

* ما برای ثبوت صداقت اعتقادی خویش شجاعانه انسان می کشیم.

انسان است. «لااکراه فی الدین، قد تبین الرشد من الغی» چه معنی دارد؟ باید با تأسف بگویم که در کشور ما هر اعتقاد و فلسفه و سیاست را بر خلاف انسان به ثبوت می رسانند. روی همین اصل است که من از هر مسلمان و متدین کشور این تقاضا را مینمایم که در پهلوی دیگر دعا و نیاز های خویش برای خداوندگار، این دعا را حتماً شامل کنند که: خداوندا، در قلب و اندیشه هر افغان، عشق و احترام به انسان را مقدم ساز!

انسان است، تعقل و آگاهی و خرد و نعمات مادی برای انسان است و در فرجام دین نیز برای انسان و سعادت آن است. باید جداً دقت کرد که دین برای انسان است، اما ما انسان را برای دین می کشیم. جالب اینجاست که ما برای ثبوت صداقت اعتقادی خویش به دین، شجاعانه انسان را می کشیم؛ فراموش می کنیم که پیروزی در دینداری و دیانت، نابود کردن گمراهی بدون قتل

محترم حاجی عبدالله «رضوانی»، وضعیت کنونی برخورد های اعتقادی و فکری را در جامعه مورد بحث قرار داده گفتند: «اول باید فراموش نکنیم که انسان کیست و جایگاه آن در عرش خداوند(ج) در کجاست. شیطان به خاطر سجده نکردن برای انسان بود که نفرین شد و رانده شد. در حاکمیت و خلقت الهی، بلند تر از جایگاه انسان، هیچ موجودی قرار ندارد. زمین برای

محترم کرم علی «جاغوری»، يك تن از باشندگان غرب کابل:

غرب کابل: محک سیاسی برای شناخت نیت غیر انسانی

* اینجا سر زمین ویران برای ددمنشی سیاست های خصمانه است.

* ما احساس می کنیم که اجتماع ما، مواد خام برای عقده گشایی های دیوانه گان قدرت است.

بگیرند. احساس می کنیم که اجتماع ما مواد خام برای عقده گشایی های خونبار دیوانه گان قدرت است. بین خود هر قدر دشمن باشند و آشتی ناپذیر، در برابر ما نیت واحد و خصمانه دارند. انسانیت ما را با ترازوی حساسیت های جنگ انحصار قدرت سیاسی خویش میزان می کنند. من نمیدانم که جانبان قدرت سیاسی در حضور خدا چه جواب خواهند داشت که چگونه برای قدرت، انسانهایش را با افتخار و بدون هراس تیر باران کرده اند؟ آیا آدمکشان از صفت ضد بشری بودن خویش در تاریخ آینده هراس ندارند؟

محترم کرم علی «جاغوری»، در مصاحبه خویش با خبرنگار «صفحه نو»، موقف سیاسی و اجتماعی مردمان غرب کابل را در شرایط کنونی جنگ برای انحصار قدرت سیاسی، چنین بیان داشتند: «بعد از تحمیل کردن سه سال جنگ غیر قابل قبول بر مردم فقیر غرب کابل، وضعیت مرگبار بیست و چهارساعته دیروزی مرفوع شده است؛ ولی اکنون اینجا (غرب کابل) سرزمین ویران برای ددمنشی سیاست های خصمانه است. ما را به راکت می زنند برای اینکه انتقام از خواست عادلانه، سیاسی و اجتماعی ما

جنگ در برابر ملیتها...

هیچگونه علاقه بدین حاکمیت ندارند؛ خوشبینی به حاکمیت فعلی، عقاید آسوده گانیست که برون از پایتخت و مملکت به سر می برند. جنگ برای قدرت است و من مطمئن هستم که مردم کابل، عقایدی را پرورانیده اند که مخالف عقاید و جفاهای نا انسانی هر انحصار گر قدرت است». موصوف در رابطه به سیاست های تشدید خصومت های اجتماعی میان ملیت ها افزودند: «این را هیچکسی نمیتواند فراموش کند که جنگ در برابر ملیت های کشور، قبل از همه دشمنی در برابر انسان و انسانیت است. آنانیکه خصمانه بر مردم بی گناه حمله می کنند. مگر می توانند خیانت خویش را در برابر انسان و انسانیت کتمان نمایند؟ چرا ملیت های کشور به مثابه نیروی انسانی ملت پذیرفته نمیشوند؟ عاملان جنگ هر چه می گویند و می کنند، این را پنهان کرده نمیتوانند که برای به دست آوردن قدرت، دشمنی با انسانهای هر ملیت کرده اند».

تاسیس ۱۳۹۴

سفیر جمهوری اسلامی ایران...

بر مواضع اصولی حزب وحدت در جهت حل بحران فعلی کشور افزودند: «حزب وحدت اسلامی از همان اوایل طرفدار حل قضایا از طریق جنگ و اعمال فشار نظامی نبوده و حالا هم جنگ را راه حل قضایای جاری کشور نمیداند». استاد خلیلی تنها راه حل معضلات کنونی را اشتراک همه اقوام، ملیت ها و گروه های جهادی در يك حکومت فراگیر دانسته، افزودند: «حزب وحدت اسلامی خواهان تأمین عدالت سیاسی و اجتماعی در کشور بوده و آرزو دارد تا استقرار يك نظام عادلانه، سیاسی که حافظ حیثیت، شرف و عزت مردم باشد، همه اقشار ملت افغانستان از حقوق سیاسی و اجتماعی شان برخوردار گردند».

تعصب نژادی و مذهبی مرگ اعتقادات انسانی است

مسلمان، قبیله از ایمان و محبت به انسان لبریز است

در قلب مسلمان، بالاتر از هر کس دیگر است؛ چون مسلمان قلبش از ایمان و عشق به انسان لبریز است و باکیته و خصومت در برابر انسانها وجوامع، هیچگاهی نمیتوان خداوند را دوست داشت و آن را پرستش و عبادت کرد. محترم محمد عمر «قادی»، طی مصاحبه خویش با خبرنگار «صفحه نو» جنگ ها و تعصبات نژادی و مذهبی را در کشور نفرین نموده، گفتند: «چیزی غیر قابل کتمان، تعصبات نژادی و مذهبی است؛ اگر هزار رنگ و رخ به خود بدهند، عمل شان ثابت می سازد که متعصب هستند. تعصب نژادی و مذهبی مرگ اعتقادات انسانی است؛ حالانکه عاطفه انسانی و محبت انسان

انسانها و جوامع، هیچگاهی نمیتوان خداوند را دوست داشت و آن را پرستش و عبادت کرد. محترم محمد عمر «قادی»، طی مصاحبه خویش با خبرنگار «صفحه نو» جنگ ها و تعصبات نژادی و مذهبی را در کشور نفرین نموده، گفتند: «چیزی غیر قابل کتمان، تعصبات نژادی و مذهبی است؛ اگر هزار رنگ و رخ به خود بدهند، عمل شان ثابت می سازد که متعصب هستند. تعصب نژادی و مذهبی مرگ اعتقادات انسانی است؛ حالانکه عاطفه انسانی و محبت انسان

جبهه نظامی و...

چنین ابراز نظر نمودند: «مشکل است که ما در افغانستان از نفوذ سیاسی حاکمیت هایمان مردم حرف بزنیم، در تاریخ سیاسی افغانستان ما شاهد حاکمیتی نبوده ایم که برای منافع مردم کار کرده باشد. بیگانه بودن حاکمیت ها با سرنوشت مردم این موضوع را به اثبات می رساند که حاکمیت های سیاسی کوچکترین علاقه به سرنوشت سیاسی مردم نداشته و تنها با حاکمیت نظامی و ارتش و پولیس حکومت کرده اند. حاکمیت «شورای نظار» بر کابل مزخرف ترین شکل ادامه دادن حاکمیت نظامی مطابق به اشکال سابق حکومت داربست، «شورای نظار»، از اول تا اکنون، بدون طرح و برنامه، سیاسی بوده و حالا هم یگانه امکان برای زیست آن جنگ و اتکا به سلاح است. دیگران فکر می کنند با تنگ تر شدن حلقه محاصره، میتوانند «شورای نظار» را از صحنه

در یکاولنگ

از سالروز میلاد حضرت ولی عصر (عج) تجلیل بعمل آمد

به گزارش خبر نگار «صفحه نو» از مرکز یکاولنگ، روز یکشنبه مورخ ۱۷/۱۰/۷۴ از سالروز میلاد حضرت ولی عصر (عج) تجلیل بعمل آمد. اشتراک هزاران تن از مردم شریف ولسوالی یکاولنگ در مراسم بزرگداشت از نیمه شعبان، تعهد خدشه ناپذیر مردم ما را به اساسات دینی و اعتقادی شان بنمایش گذاشت.

شخصیت والای دوازدهمین اختر تابناک امامت و منجی عالم بشریت، اوضاع سیاسی جاری در کشور و موضع گیری های سالم و اصولی حزب وحدت را در رابطه با قضایا مفصلاً بیان نمودند. خبرنگار ما می افزاید که در اخیر مراسم مسابقات جالب بزرگشی، والیبالی از طرف کمیسیون برگزاری این محفل راه اندازی شد که با استقبال بی نظیر اشتراک کننده گان مواجه گردیده و مراسم درمیان فریاد های تشویقی اشتراک کننده گان پایان پذیرفت.

خبرنگار «صفحه نو» از کابل:

زن، قربانی خموش در «تاریخ مذکر»

* جنگ مردان، سنگین ترین لحظه تاریخ برای شهدای چند بعدی زن است. * مرد قبل از جلا شدن خویش برای زن، شیر «حیات مردانه گی» را از زن مقروض است. * زن در کابل سیمای تاریخ مردان کور ذهن زمان ماست.

خبر نگار «صفحه نو» طی گزارش خویش از وضعیت زنان در شهر کابل چنین می نگارد: «درد و تراژدی زن در کابل در هر بخش خویش دو بعدی است. در پای جسد هر زن، یک مادر شهید را نیز می بینیم. در ماتم هر طفل و جوان، عاطفه مادری را نیز می بینیم که زخم خورده است. زن در کابل، نه تنها جسمش زخم می خورد، بلکه در هر لحظه و هر حادثه غیر انسانی عاطفه اش نیز زخم بر میدارد: در ناله هر طفل برای شکم گرسنه اش، عاطفه مادر زخم کاری می خورد. در پای هر شهید، عاطفه زن شهید و با دفن هر اولاد، عاطفه زن نیز دفن می شود. زن هر لحظه شهید می شود و یک لحظه نیست که از درد

به خود نپیچد. زن در کابل و کشور ما، قربانی خموش در تاریخ مذکر ماست. مرد ما شهادت کشتن زن و قدرت منزوی کردن آن را در اجتماع دارد؛ اما غافل از این است که زن، قبل از اسارت در پنجه های مرد، مادر یک جامعه است که نیم هستی مرد، مدیون موجودیت اوست. زن آن مبدأ حیات است که مرد قبل از جلا شدن خویش برای زن، در دامن آن پرورده می شود و شیر «حیات مردانه گی» را از زن مقروض است. امروز در کابل و در کشور، با خیانت به مادر و زن، سیاه ترین صفحه سیاست مذکر قرن را مشاهده می کنیم. امروز کسی را میخواهند در جامعه کتمان کنند که دنیای عظیم مردانه، کوچکی خویش را در دامن آن گذاشته است. فراموش می کنند که هر «شهید»، فرزند برومند یک مادر بوده است. فراموش می کنند که با دفن هر مرد، هستی عاطفی یک زن را نیز قربانی می کنند. امروز در کابل اگر زنی گدایی می کند، تاریخ گواه است که برای شکم گرسنه مرد فردا، آبرویش را

محترم عابد «انصاری» کارمند وزارت تعلیم و تربیه در مصاحبه خویش با خبرنگار «صفحه نو» - کابل:

جنگ در برابر ملیت ها، قبل از همه دشمنی در برابر انسان و انسانیت است

* حاکمیت کنونی، ارتجاعی ترین نهادها را در بطن خود دارد. * خوشبینی به حاکمیت فعلی، عقاید آسوده گانیست که برون از پایتخت و مملکت به سر می برند.

محترم عابد «انصاری»، یک تن از کارمندان وزارت تعلیم و تربیه طی مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو» در کابل، وضعیت کنونی اجتماعی و سیاسی را ناشی از جنگ قدرت خوانده بیان داشت: «جای تأسف اینجاست که کابل و باشندگان آن همیشه از عقب خصومت های سیاسی در مقابل حاکمان سیاسی این شهر نگریسته می شود. آقای «سیاف» متعقد بود که کابل باید از تهداب ویران شود و حتی وعده تقسیم منازل باشندگان این شهر را برای مهاجرین کمپ ها نیز داده بود! چرا آنهاهی که امروز برای انتقام گیری از حاکمیت آقای

دکابل باریان سیاسی بغاوت ته ورشیدی شوی دی

د «صفحه نو» خیرال لیکی، د نریوالو خبری آژانسونو او دکابل نه د راغلو عینی شاهدانو د ویناله مخی دکابل باریان د سخت ژمی په دی موسم کی د قحطی او قیمتی دبی ساری تهدید سره مخامخ شوی دی چی ددی تولو یوازینی عامل او انگیزه دکابل د غیر قانونی حکومت په موجودیت کی تشخیص شوی دی. عینی شاهدانو ویلی دی چی د جنگونو په دوام کی د پنځه زریز اولس زریز افغانی نوتونو بی حساب چاپول او بی دریغه د پیسو توزیع کول افغانی پیسی د نابودی خواته نیژدی کړی دی، نرخونه خپل نهائی حد ته رسیدلی دی او عوام نور ددی توان نلری چی دانرچی د بحران په دی تاریخی قیمتی کی خپل بال بچ وساتلی شی. دکابل نه په راغلو اطلاعاتو کی ویلی کپری چی د هری ورچی په تیریدوسره د افغانی قیمتونه رالویزی او دخوراک کی استهلاکی شیانو نرخونه لورپری ځکه نو کابل باریان دی ته مجبورپری چی دکابل د انحصاری حکومت دذمه واریو په چوکات سیاسی بغاوت ته لاس واچوی او د موجوده انتظامی دناکامه چلند په مقابل کی دعکس العمل په شپودلو سره ورته حقوق وغواړی.

غلام حسین جعفری:

کابل باید پایگاه عدالت باشد

* مسعود فکر می کرد که کابل برای همه، مثل خودش یگانه پایگاه است. * مسعود مثال عبرت انگیز سیاسی برای هر عظمت طلب است.

محترم غلام حسین «جعفری»، کارمند متقاعد ریاست فواید عامه در رابطه به تشکیل حکومت آینده چنین ابراز عقیده نمودند: «کابل و حوادث خونین آن، بیانگر اهمیت سیاسی و اجتماعی این شهر است؛ ولی کابل زمانی از شخصیت واقعی سیاسی برخوردار شده که به پایگاه عدالت تبدیل شود. همه باید بگوئیم و تأکید داشته باشیم که کابل باید پایگاه عدالت باشد. ما نباید مثال مسعود را در لفافه های مختلف سیاسی، برای خویش حفظ کنیم. مسعود فکر می کرد که کابل برای همه، مثل خودش، یگانه پایگاه است. حالانکه حضور سیاسی قام اقشار ملت، پایتخت را به پایگاه حاکمیت داری تبدیل می کند؛ در غیر آن کابل شهری خواهد بود بدون حیثیت حقوقی و سیاسی. مسعود و سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن، مثال عبرت انگیز سیاسی و اجتماعی برای هر عظمت طلب است. با توجه به همین نکته، هر تجربه سیاسی نباید به شکل حادثه فردی و منزوی از تاریخ سیاسی کشور تلقی گردد. ما باید همه بدین باور باشیم و همه با صداقت تمام بپذیریم که تاریخ با تجارب سیاسی مردم پر یار می شود.»

شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی ...

از کلام الله مجید آغاز شده و سپس محترم دبیر کل حزب، گزارش مفصل مذاکرات خویش را با هیأت دولت غیر قانونی کابل به شورا ارائه نمود. اعضای شورا بعد از بحث و تبادل نظر روی موضوعات مطرح شده در مذاکرات، یکبار دیگر روی مواضع اصولی حزب وحدت تأکید نموده و تفاهم و مذاکره را یگانه راه پایان بخشیدن به بحران کنونی کشور از طریق تشکیل یک حکومت فراگیر با

د جمعیت اسلامی...

منحصر گری دی. عصمت قانع چی یوشاعر او لیکوال دی او دجمعیت اسلامی یو پخوانی فرهنگي غړی دی خبریالاتوته ویلی دی چی جمعیت ته د نجات په خاطر ئی د هیواد په اته ویشو ولایاتوکی دزیاتو قوماندانانو او ددی تنظیم د غرو حمایت ترلاسه کړی دی. تر اوسه پوری د استاد ربانی تر مشری لاندی د جمعیت اسلامی د تنظیم له طرفه په دی حقله کوم عکس العمل نه دی څرگندشوی او دپلی خوانه د پاکستان امنیتی مقاماتو هم ویلی دی چی په پاکستان کی به هیچاته د جمعیت اسلامی د دفترانو د قبضه کولو اجازه ورنکړی شی خو د جمعیت د ناراضیانو دلی مشر ویلی دی چی په دی لړکی ئی د پاکستان د امنیتی مقاماتو سره خبری روانی دی. ددی مشر ادعا کړی ده چی دجمعیت اسلامی تنظیم په توله معنی د شورای نظار سره برغمل دی ځکه نو د لسانی او قومی فاشیستی چلند له امله ئی په دی اقدام لاس پوری کړی تر څو د جمعیت اسلامی پخوانی پوزیشن بیرته اعاده کړی شی.

اند، با ما صحبت کنند، اختیار دارند و اگر از طریق تفاهم و مذاکره پیش بیایند، باب مذاکره، از دید ما باز است. ما جنگ را راه حل نمیدانیم؛ مذاکره را ترجیح میدهیم. در رابطه با مسأله باز شدن راه و یک سلسله مسایل چون رهائی اسرا و زندانیان، گفتیم که اگر زندانیان ما را آزاد کنند که صدها نفر در اختیار آنهاست، افراد آنها را که در نزد ماست، آزاد خواهیم نمود. و همچنان راه را که یک قسمت آن در اختیار آنهاست و بامیان را با شمال وصل می کند، به شرطی باز خواهیم نمود که آنها نیز راه را باز کنند. بیش از این دیگر هیچ مسأله ای نبوده و ما قرار داد نداشته ایم. سوال: بنا برین، چشم انداز اتحاد دوشاخه حزب وحدت را در حال حاضر چگونه می بینید؛ ممکن است دو جناح حزب در آینده نزدیک متحد شوند؟ جواب: آنچه که مربوط به ماست، میان مردم خویش جنگ نمی خواهیم ولی یکجا شدن به هیچوجه مطرح نبوده و نخواهد بود؛ موضع مردم ما روشن است.

ما چیزی که قبول کردیم ویرایش التزام نیز داریم، جنگ نکردن، حفظ آرامش و تأمین امنیت در هزاره جات است؛ ولی هیچگونه بحث یکجا شدن نبوده و نیست. سوال: حالا که دو جناح حزب وحدت یکجا شدند و پیوستند به دولت آقای ربانی، نظر شما در مورد این مسأله چیست؟ جواب: هیأت های آقای ربانی بارها و بارها در یکاولنگ و به خصوص در بامیان آمدند؛ ولی مذاکره با این هیأت ها، هیچ ربطی به مذاکرات دیگری که شما فرمودید، نداشته و صرف در رابطه به مسایل فی مابین بوده و در این رابطه به آنها گفتیم که جنگ را ما آغاز نکردیم. ما نیرو به جانب کابل و پنجشیر و چاریکار بسیج نکردیم؛ آنها بودند که در بامیان نیرو آورده و سر انجم در یکاولنگ و دیگر مناطق هزاره جات جنگ را به راه انداختند. حالا هم کلید مسأله در دست آنهاست. اگر علاقه مند باشند که از طریق توپ و تانک، همانطوریکه تا کنون کرده